

مجله مطالعات اجتماعی ایران



انجمن جامعه‌شناسی ایران

دوره سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸

ویژه خراسان رضوی

تحلیل جامعه‌شناختی رفتار مصرف‌کننده در شهر مشهد

علی یوسفی، محمدتقی شیرینی

مصرف سیلما در خراسان رضوی و عوامل مؤثر بر آن

ابوالفضل شرفی

عدم توافقی ارزشی و تأثیر آن بر ناسازگاری زوجین در مشهد

علانرضا صدیق‌آوردی، احمدرضا امیرپور ماسوله

میزان تعهد سازمانی کارکنان دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل

اجتماعی مؤثر بر آن هسان نجفی‌زاده، محسن نوحانی، زهرا اجناسی

فرهنگ کار در بین فرزندان شاهد استان خراسان رضوی

پژگان عظیمی، عفتی

اثر بخشی برنامه‌های معنادار گمنام در نگرش معنادار به مواد مخدر

اکبر علوی‌وردی‌نیا

شکاف‌های منطقه‌ای در نگرش ایرانیان به مصرف مواد مخدر

سیدرضا کاکهر

مقدمه

خانواده مهم‌ترین سازمان تربیتی جامعه (بودون، ۱۳۸۵: ۱۹۳) و شاید قدیمی‌ترین آن‌هاست (توز، ۱۳۷۸: ۳۶۳). با این حال، بودون معتقد است «خانواده به معنای دقیق کلمه در وضعیت طبیعی انسانی وجود ندارد و پس از انقلابی که در آن گذار به جامعه مدنی و نهاد مالکیت تحقق می‌یابد، خانواده ظاهر می‌شود» (بودون، ۱۳۸۵: ۲۷۷). لوی اشتراوس هم تأکید کرده است: «خانواده به شکل کنونی که مطابق آن یک مرد و یک زن، خانه‌ای، مشتری دارند و کودکان خود را بزرگ می‌کنند، متعلق به تمام جوامع نیست» (اشتراوس، ۱۹۹۶: ۵).

به نظر می‌رسد سازمان خانواده در جامعه ایران دچار مشکلاتی است. افزایش چشم‌گیر بحث مربوط به مشکلات خانوادگی در جراید و رسانه‌های جمعی و نیز بالا رفتن میزان طلاق و مهم‌تر از آن بالا رفتن میزان پرونده‌های خانوادگی در دادگاه‌ها در ایران حکایت از وجود مشکلات و اختلالاتی در نظام خانواده ایرانی دارد. در برخی کشورها نرخ طلاق می‌تواند شاخصی برای میزان مشکلات خانوادگی باشد. طلاق انحلال سازمان خانواده هسته‌ای است. به عنوان مثال سال میزان طلاق در خانواده‌های غربی چنان بالاست و آن‌قدر خانوارهای جدید و متبوع به وجود آمده‌اند (سکالز و زوتابند، ۱۹۹۶: ۵۰۳) که برخی مؤلفان غربی را واداشته است در مفهوم خانواده تجدید نظر کنند و برخی اشکال دیگر خانوار را هم به عنوان خانواده قبول کنند (تروست، ۱۹۸۸). اما در ایران به این دلایل نمی‌توان چندان به نرخ طلاق برای بررسی مشکلات خانوادگی تکیه کرد.^۱ هنوز قبح طلاق در افکار عمومی و باورهای دینی زیاد است و زوجین به صرف وجود ناسازگاری اقدام به طلاق نمی‌کنند.^۲ عدم استقلال مالی اکثر زنان موجب می‌شود بسیاری از آنان با وضعیت موجود کنار بیایند. ۳. اهتمام بسیاری از افراد به ادامه وضع کنونی و نگرانی درباره آینده فرزندان‌شان موجب انصراف از طلاق می‌شود، هرچند در رنج بسیار باشند. ۴. شانس ازدواج مجدد برای بسیاری از زنان اندک است. این امر نیز موجب انصراف بسیاری از زنان از طلاق می‌شود. ۵. برخورد جامعه با زنان مطلقه مانند برخورد آن‌ها با دختران یا بانوان نیست و زنان مطلقه دارای آرامشی مشابه بانوان نیستند.

۱. در سال ۲۰۰۳ حدود تنها حدود نیمی از خانوارهای آمریکایی از ازدواج‌های رسماً رسیده بوده تشکیل شده بود. در حالی که در سال ۱۹۸۰ این میزان به ۸۴ درصد می‌رسید (شاپور، ۲۰۰۷: ۳۹۸).

عدم توافق ارزشی و تأثیر آن بر ناسازگاری زوجین در مشهد

غلامرضا صدیق اوزعی^۱

احمدرضا اصغرپور ماسوله^۲

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۲۳، تاریخ تصویب: ۸۸/۷/۸)

چکیده

خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهادهای تربیتی جوامع انسانی است. خانواده به عنوان یک خرده‌نظام در درون نظام اجتماعی، دارای تمام ویژگی‌های نظام است. عدم تعادل در نظام خانواده موجب بروز مشکلاتی در آن می‌شود و برخی کارکردهای آن را محتل می‌کند. از سویی دیگر در خانواده‌های ایرانی، قیود فرهنگی مانع طلاق موجب می‌شود که مشکلات موجود به طور کامل در آثار طلاق منعکس نشود. یکی از راه‌های بررسی مشکلات خانواده در ایران، بررسی ناسازگاری اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن است. در این مقاله تقاضای ارزشی بیان همسران و رابطه آن با ناسازگاری میان آن دو بررسی شده است. تحلیل داده‌های تجربی این پژوهش که از مآخذی از مصاحبه با ۱۴۳ زوج شبه‌همسر است، نشان داد که تقاضای ارزشی بیان همسران موجب افزایش بروز رفتارهای ناسازگارانه از سویی هر دو می‌شود. در تحلیل ساختاری، ضریب تحلیل همسر بیان تقاضای ارزشی همسران و اعمال ناسازگارانه شوهران برابر ۰/۳۳ و همین ضریب مسیر برای اعمال ناسازگارانه بانوان برابر ۰/۳۶ بوده است.

وزگان کلیدی: خانواده، مشکلات ساختاری، تقاضای ارزشی، ناسازگاری.

۱. امیرب. جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد و مدیر گروه پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد
sedourae@yahoo.com
ahmadreza.asgharpour@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد: ahmadreza.asgharpour@gmail.com

در تعریف نظام^۱ گفته‌اند مجموعه‌ای از عناصر مرتبط و هماهنگ است که دارای کار و اثر جمعی باشد. در درون هر نظام، اجزای (خبرده‌نظام‌های) گوناگونی وجود دارند که هر یک وظایف خاصی را بر عهده دارند. بین این اجزاء هماهنگی کامل وجود دارد، اگرچه ممکن است وظایف آنها کاملاً متفاوت باشد. وظیفه‌ای را که یک جزء در یک نظام بر عهده دارد کارکرد می‌نامند. پارسونز معتقد است اگر کرد مفهومی عمومی‌تر از ساختار است که معرف برخی ویژگی‌های یک نظام است و آن را به صورت یک موجود مستقل در یک محیط نگاه می‌دارد. ویژگی عمومی نظام، فرآیند است، (پارسونز، ۱۹۷۸: ۱۴۹). نظام اجتماعی دارای اجزایی است که اختلال در آنها می‌تواند موجب اختلال در عملکرد کل نظام گردد.

اگر طرفین رابطه بر وجود تعامل بین خود و نوع تعامل و انتظارات متقابل و چند و چون و زمان و مکان و فاعل عمل توافق داشته باشند آن تعامل مورد توافق و پایدار است. قاعده‌ای که تمام نکات یاد شده را بیان می‌کند و مورد توافق طرفین است هنجار^۲ نامیده می‌شود. این تعریف از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در تعامل است. حال اگر بخواهیم هنجار را از منظر جامعه‌شناسی تعریف کنیم، می‌توان گفت هنجار عبارات است از هم‌شکلی‌های مشاهده شده در کنش‌ها؛ زیرا محقق ناآشنا با یک جامعه، سعی می‌کند با مشاهده اعمال مردم و ثبت آنها به مقایسه آنها بپردازد. مطلوبیت هنجارها، فرهنگی و بر اساس انتظارات مشتری اعضای جامعه است (مارشال، ۱۹۹۸: ۴۵۳).

مجموعه‌ای از هنجارها که مخصوص یک موقعیت اجتماعی معین در یک سازمان است و شرح وظایف آن را تشکیل می‌دهد، نقش اجتماعی آن موقعیت است. در واقع رفتاری که از فرد اشتغال‌کننده یک موقعیت انتظار می‌رود نقش اجتماعی است (رول، ۲۰۰۷). مجموعه‌ای از هنجارهایی که میزان استاندارد برخورداری‌های هر موقعیت اجتماعی را از دارایی، احترام و اقتدار تعیین می‌کند، پایگاه اجتماعی است (پوردن، ۱۳۸۵: ۱۲۷). ارزش‌ها، ایده‌های هستند درباره آنچه خوب یا بد، غیرمناسب یا مناسب و ضروری یا غیرضروری است. اگر نظام ارزشی وجود نداشته باشد، افراد بر سر این که چه چیزی باید انجام گیرد، چه چیزی مصفاانه است و کدام رفتار مناسب است با هم موافقت نخواهند داشت (توتو، ۱۳۷۸: ۸۰-۸۱).

برخی از عواملی که در بالا گفته شد، بر انحراف مردان از طلاق هم مؤثر است. پس بیومعنای از عوامل فرهنگی و اجتماعی موجب می‌شود زنان و مردان ناراضی در ایران، از طریق مصروف شوند. دلایل بالا همگی مؤید این نکته هستند که در ایران میزان طلاق جلوه معنی و کامل مشکلات خانوادگی نیست و از این طریق نمی‌توان به درک ساختار خانواده ایرانی و مشکلات آن رسید. هدف این مقاله بررسی سازگاری زوجین و عوامل مؤثر بر آن به زبان شاخصی برای وجود عدم تعادل در نظام خانواده در شهر مشهد است.

خانواده به عنوان نظام اجتماعی

یکی بررسی دقیق مشکلات خانواده در ایران باید به بررسی کشمکش و نزاع زن و شوهر داد. نارضایتی و کشمکش همسران می‌تواند ناشی از رفتار ناهنجار یکی یا هر دو آنها باشد. به عبارت دیگر می‌تواند نتیجه تحلیف آنان از مقررات سازمان خانواده باشد. ممکن است هیچ‌یک از زوجین از نظر خودش هنجارشکن نباشد و خود را پایبند به هنجارها بداند، اما به علت مشکلات ساختاری خانواده، نارضایتی و کشمکش بین زوجین وجود داشته باشد. بحث باره، کجوری مهم است، اما مهم‌تر از آن، بحث درباره ساختاری است که اعضای سازمان بی‌بوط به آن را ناراضی ساخته و به کشمکش وامی‌دارد.

تحلیل سیستمی خانواده از دهه ۱۹۲۰ آغاز شده و از دهه ۱۹۶۰ به شکل کنونی خود آمده است (چیورکاس و لیت، ۲۰۰۵: ۲۷۹). در دیدگاه سیستمی، مسئله اجتماعی عبارت است از عدم تعادل در نظام اجتماعی، همان‌طور که نظام اجتماعی مفهومی است که از برچسک‌ترین سطح (تعامل دو شخص) تا بزرگ‌ترین سطح (نظام اجتماعی کل یک جامعه) دارای مصداق است (روشه، ۱۳۷۶: ۱۰۱). تعادل و عدم تعادل در نظام اجتماعی نیز از بین‌ترین سطح تا بالاترین سطح نظام اجتماعی مصداق دارد. سطح نظام اجتماعی در گروه اجتماعی خانواده میانه است و در این نظام تعادل یا عدم تعادل می‌تواند وجود داشته باشد. یا رجه به این تعریف از مشکلات ساختاری خانواده، برای بررسی سازگاری زوجین (صاحبان نقش‌های شهری و پدیری و نقش‌های بانویی و مادری) در خانواده، باید به بررسی عدم تعادل در نظام اجتماعی خانواده پرداخت.

نظام خانواده دارای موقعیت‌های شوهری و بانویی است. خانواده همسری در ابتدای تشکیل چنین است. هر موقعیت دارای نقش یا همان شرح وظایف است و نیز هر موقعیت دارای پایگاه اجتماعی یا همان شرح مزایا است. در این‌جا با استفاده از بحث‌هایی که درباره نقش‌های اجتماعی در سازمان‌های اجتماعی شده است به بررسی عدم تعادل (بی‌تنظمی = اختلال)‌ها در نظام خانواده می‌پردازیم. در واقع قصد داریم رفتارهای ناسازگارانه زوجین را با ناسازگاری‌های ساختاری در نظام خانواده تبیین کنیم. ویژگی مورد نظر در این‌جا عدم توافق ارزشی است.

عدم توافق ارزشی زوجین

نظام اجتماعی تجلی بخش عمده نظام فرهنگ است. نقش‌های اجتماعی که بخش مهمی از عناصر سازنده نظام اجتماعی‌اند، معطوف به ارزش‌های نظام فرهنگ هستند. زمانی که اعضای سازمان اجتماعی - که تحت سیطره نظام اجتماعی هستند - ارزش‌ها و باورهای مشابهی نداشته باشند، انتظاراتشان از یک موقعیت و به عبارت دیگر هنجارهای مورد قبولشان دربار یک امر معین به احتمال زیاد ناهماهنگ خواهد بود (چلی، ۱۳۷۵: ۱۱۴). بررسی‌های انجام شده در حیطه خانواده نشان می‌دهد که توافق ارزشی زن و شوهر سهم عمده‌ای در ایجاد رضایت‌داری (لهدوری، ۱۳۷۵: ۱۷۱).

لکنه دیگر این‌که عناصر نظام فرهنگ از طریق تبدیل به نظام اجتماعی و درونی شدن نظام اجتماعی در شخصیت افراد و نیز از طریق تاثیر مستقیم نظام فرهنگ بر شخصیت، شخصیت را می‌سازد (پارسونز، ۱۹۷۸: ۱۷۱). می‌توان در نظر آورد زمانی که اعضای سازمان خانواده تفاوت تفاوت فرهنگی باشند، تفاوت شخصیتی نیز خواهند داشت و نگرش‌ها و طرز برخورد‌های آنها متفاوت خواهد بود و این امر به احتمال زیاد بر وقوع نزاع میان آنان مؤثر خواهد بود. به عنوان مثال مردی که صرفه‌جویی را ارزشمند می‌داند، در زندگی خانوادگی نیز گرایش به صرفه‌جویی دارد. اگر بانوی خانواده در این امر با او تفاوت ارزشی داشته باشد، عمل شوهر را رخت و او را شخصی خسیس تلقی خواهد کرد. این فرحالی است که شوهر خود را شخصی صرفه‌جو می‌داند. در مقابل، بانو خود را دست و دلباز می‌داند. اما شوهرش شخصیت او را ولخرج ارزیابی می‌کند. این چنین حالت ناهماهنگی در خانواده، سبب بروز واکنش‌های منفی بانو و شوهر نسبت به یکدیگر می‌شود که به احتمال زیاد بر نزاع مؤثر است و به طور عینی و حسی یکی از موارد عدم توافق اخلاقی اعضای خانواده تلقی می‌شود.

مشکلات ساختاری خانواده

با توجه به آنچه گفته شد، نظام خانواده مجموعه‌ای از موقعیت‌های خانوادگی همراه با نقش‌ها و پایگاه‌های آنها است. نظام خانواده در سازمان خانواده محقق می‌شود و روابط اعضای سازمان خانواده را ایجاد می‌کند و به آن شکل می‌بخشد. نظام خانواده شامل موقعیت‌های شوهری و بانویی و پدری و مادری، فرزندی و خواهر و برادری است. البته اگر نظام خانواده غیرهسته‌ای باشد در تعداد و نوع موقعیت‌ها تفاوت‌هایی با آنچه گفته شد وجود دارد. مثلاً در نظام خانواده گسترده موقعیت‌های پدر شوهری، مادر شوهری، عروس بودن، برادر شوهری، خواهر شوهری، جاری بودن (بانوی برادر شوهر) و... وجود دارند. باید تلذک داد که در نظام خانواده هسته‌ای موقعیت‌های اخیر بیرون از نظام خانواده هسته‌ای قرار دارند و بخشی از نظام خویشاوندی را می‌سازند. هم‌چنین یک نفر که عضو نهاد خانواده است، در نهاد خویشاوندی نیز عضویت دارد؛ همان‌طور که عضو نهاد خانواده، در نهاد سیاسی، اقتصادی، علمی و آموزشی نیز عضو است.

تعادل در نظام خانواده هسته‌ای - که شکل مسلط خانواده در شهرهای ایران و اکثر روستاهای ایران است - به نحوه تنظیم نقش‌ها و ارتباط میان آنها و ارتباط نقش یا پایگاه اجتماعی و نحوه تنظیم نقش و پایگاه با شخصیت اجزای کننده موقعیت و نحوه تناسب بین نقش و ارگانیسم شخص ایفا کننده آن و اموری از این دست بستگی دارد.

نظام اجتماعی خانواده از مطالعه سازمان‌های خانواده استخراج شده است. نظام اجتماعی خانواده در سطح میانه است؛ بنابراین مطالعه تعامل‌ها نیست و مطالعه خورده‌نظام‌های درون نظام اجتماعی کل نیز نمی‌باشد. نظام خانواده مطابق مبانی نظری ارائه شده تحت تاثیر فرهنگ و خورده‌فرهنگ‌های ذیل آن قرار دارد و البته نظام خانواده بر شخصیت اعضای سازمان خانواده و ارگانیسم آنان اثر می‌گذارد و جلوه‌هایی در عمل اعضای سازمان خانواده دارد. نظام خانواده دارای کارکردهایی است و در یک محیط قرار دارد. نظام خانواده از محیط خود اثر می‌پذیرد و بر آن اثر می‌گذارد. نظام خانواده هم‌چون هر نظام اجتماعی دیگر قابلیت تغییر دارد. تغییر برای حفظ تعادل خود که از جهت در معرض خطر قرار گرفته است و تغییرات ساختی که در آن ساخت و کارکرد نظام خانواده دیگرگون شود (روشنه، ۱۳۷۵: ۱۷۶).

نظام اجتماعی قرار گرفته‌اند. اثر گذار است. پارسونز نیز معتقد است از عدم تعادل ساختاری در نظام اجتماعی نمی‌توان یکسره و بی‌واسطه به عمل رسید، بلکه باید متغیر شخصیت را بین نظام اجتماعی و عمل اجتماعی قرار داد (پارسونز، ۱۹۷۸، ۱۳۷۸). بنابراین مدل تئینی و علی‌ما مشروط است به «عدم چشم‌پوشی کتشی گر (شوهر یا بانو)» زیرا در حالتی که او با عدم تعادل ساختاری درگیر است، اگر چشم‌پوشی کند، عمل ناسازگارانه‌ای انجام نخواهد داد.

روش پژوهش

داده‌های این پژوهش به وسیله پرسش‌نامه، و از طریق مصاحبه با ۱۴۳ خانوانه در شهر مشهد جمع‌آوری شده است. حجم نمونه با توجه به محدودیت‌های پژوهش تعیین شده است. انتخاب خانوانه‌ها به شیوه تصادفی سهمیه‌ای در مناطق مختلف شهر مشهد بوده است. جامعه آماری پژوهش خانوانه‌های مشهدی بوده‌اند که در آنها پدر، مادر و حداقل یک فرزند پسر و دختر نوجوان یا بزرگ‌تر حضور داشته باشد. برای هر یک از زوجین پرسش‌نامه‌ای جداگانه تنظیم شده است. در هر خانوانه با شوهر و بانو به طور جداگانه مصاحبه شده است. برای بررسی قابلیت اعتماد سازه‌ها از تحلیل عاملی استفاده شده است، ضمن این که برای بررسی فرضیه اساسی پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده که ضمن بررسی وقت اندازه‌گیری (قابلیت اعتماد) رابطه علی را نیز بررسی می‌کند. تفصیل این مباحث در بخش تحلیل داده‌ها ارائه شده است.

تحلیل داده‌های تجربی

در نمونه، میانگین سن شوهران ۴۷/۰ سال و میانگین سن بانوان ۴۱/۸ سال بوده است. میانگین تعداد سال‌های تحصیل شوهران و بانوان، به ترتیب ۱۷/۱ و ۹/۷ سال بوده است.

ارزش‌های شوهر و بانو

برای سنجش ارزش‌های شوهر و بانو، با توجه به بررسی‌های اکتشافی و پیش‌آزمون، ده ارزش انتخاب شده است. تمام این ارزش‌ها درباره زندگی مشترک هستند. پاسخ‌ها یک طیف لیکرت از بسیار بد تا بسیار خوب را شامل می‌شوند. در جدول ۱، فرآیند مرسوم به پاسخ‌های شوهران و بانوان به این ارزش‌ها ارائه شده است.

۱-داده‌های مورد استفاده در این پژوهش نامورد از داده‌های پژوهشی است که بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ در سطح ملی به صورت دست‌نویس ساختاری خانوانه در ایران، توسط نگارنده (مردی ارضی) در جهاد دانشگاهی مشهد تهیه شده است.

عدم توافق ارزشی تا اندازه زیادی ناشی از تفاوت فرهنگی - اجتماعی خانوانه‌های پدری زوجین و سایر گروه‌های عضویت مانند مدارس و گروه‌های هم‌سالان و... می‌باشد. شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی والدین بانو و شوهر نباید به طور مستقل از عوامل عدم تعادل در نظام خانوانه شمرده شود، بلکه این عامل از طریق عدم توافق ارزشی زوجین یا اعضای خانوانه بر تفاهم میان آنان تأثیر منفی می‌گذارد.

تفاوت‌های اجتماعی بانو و شوهر، مانند تفاوت سنی بیش از ده سال و تفاوت سطح تحصیلات، آنها به خودی خود عدم تعادل در نظام خانوانه محسوب نمی‌شوند، بلکه می‌توانند در برخی موارد تسهیل‌کننده عدم تعادل در نظام خانوانه باشند. گاهی این تفاوت‌ها از طریق ایجاد تفاهم‌های فکری و اندیشه و سلیقه‌ها و خواسته‌های متفاوت منجر به عدم تعادل در نظام خانوانه می‌شوند (سازوخانی، ۱۳۷۲، ۱۶۲). گاهی نیز عدم تعادل از طریق ایجاد حس برتری یا انگیزه برتری‌جویی در یکی از اعضای سازمان خانوانه ایجاد می‌شود. مثلاً کسی که مدرک تحصیلی بالاتری از همسرش دارد، ممکن است احساس برتری نسبت به همسرش داشته باشد و معتقد شود که چون «بهتر می‌فهمد»، باید در امور زندگی طغی نظر او عمل شود. در صورتی که همسرش متقابلاً این برتری را نپذیرد و این امر به احتمال زیاد منجر به نزاع می‌گردد.

فرضیه اصلی پژوهش

با توجه به مباحثی که مطرح شد، فرضیه مورد آزمون در این پژوهش آن است که «تفاهم ارزشی میان زوجین در خانوانه موجب افزایش اعمال ناسازگارانه زوجین می‌شود». تفاهم ارزشی به معنای تفاوت در اولویت‌های ارزشی زوجین است و اعمال ناسازگارانه، اعمالی هستند که نیت اصلی کتشی گر، تعارض با طرف تعامل باشد. باید توجه داشت که وضعیت ساختاری، شرایط عینی و بیرونی برای شخص است اما وقتی شخص با آن روبه‌رو شد باید در قبال آن تصمیم بگیرد (با طبق دیدگاه کتشی متقابل مساویین، باید آن را تقسیم کند و سپس تصمیم بگیرد). هرچند اکثر انسان‌های تربیت شده در یک فرهنگ و نظام اجتماعی معمولاً روش تفسیر یک وضعیت عینی و نحوه تقسیم و عمل در برابر آن را از آن فرهنگ و نظام اجتماعی می‌آموزند و بیشتر آنها به طور مشابه عمل می‌کنند، اما باید توجه داشت که متغیر تصمیم شخص در برابر وضعیت عینی باید در تحلیل لحاظ شود و در این امر وضعیت ذهنی شخص و نظام ترجیحات او و به تعبیری نظام شخصیت افرادی که تحت شرایط ساختاری

جدول ۲. آماره‌های توصیفی تضادهای شوهر و بانو بر سر ارزش‌های مربوط به زندگی مشترک

کمترین	بیشترین	میان	میان	میانگین	پاسخگرو	نماد	تضاد بر سر ارزش
۰	۴۰۰	۱۰۰۰۰	۱۱۱۰۳	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	زندگی با خانواده همسر
۰	۴۰۰	۰	۲۱۵۴	۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰	زندگی مستقل
۰	۳۰۰	۰	۲۵۱۷	۱۳۹	۱۳۹	۱۳۹	رفت و آمد با دیگران
۰	۴۰۰	۰	۳۳۱۹	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	ساده زندگی
۰	۳۰۰	۰	۲۲۹۱	۱۳۹	۱۳۹	۱۳۹	همسر تحصیل کرده
۰	۳۰۰	۱۰۰	۲۵۱۲	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	همسر زیبا
۰	۴۰۰	۰	۹۲۳۰	۱۳۵	۱۳۵	۱۳۵	اشتغال زن
۰	۳۰۰	۱۰۰	۷۴۲۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	کمک به بانو
۰	۴۰۰	۰	۲۱۲۹	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	مشورت با همسر
۰	۴۰۰	۰	۴۸۵۷	۱۴۰	۱۴۰	۱۴۰	محبت به همسر

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود:

- میانگین تضاد بر سر ارزش‌های ده‌گانه تفاوت‌های چشم‌گیری با هم دارند. بیشترین تضاد مربوط به زندگی با خانواده همسر و بعد از آن اشتغال زن است. بنا توجه به تفاوت نسبتاً چشم‌گیر میانگین تضاد در این دو ارزش با دیگر ارزش‌ها می‌توان گفت که تضاد بر سر این دو ارزش می‌تواند وجه مسئله‌ای داشته باشد. کمترین تضاد هم مربوط به محبت به همسر است.
- اگر شاخص تضاد ارزشی را میان در نظر بگیریم، آن‌گاه از بیان ده ارزش، میانه تضاد بر سر مورد از آن‌ها صفر و میانه بقیه یک است. به این ترتیب می‌توانیم بگوییم که درباره ارزش‌های زندگی مستقل، مشورت با همسر و محبت به همسر تضاد وجود ندارد و بر سر بقیه ارزش‌ها تضاد وجود دارد.

دسته‌بندی تضادهای ارزشی شوهر و بانو

به منظور دسته‌بندی این ده تضاد ارزشی، تحلیل عاملی اکتشافی به روش واریماکس انجام و سه عامل از هم تفکیک شد. این سه عامل با هم ۹۱/۵۰ درصد از واریانس پارامتری عاملی را نشان می‌کند. در جدول ۳ مقادیر ضرایب عاملی برای سه عامل مشاهده می‌شود.

جدول ۱. نظر شوهر و بانو درباره ارزش‌ها (نورصد)

پاسخگرو	میانگین									
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
زندگی با خانواده همسر	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
زندگی مستقل	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
رفت و آمد با دیگران	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
ساده زندگی	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
همسر تحصیل کرده	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
همسر زیبا	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
اشتغال زن	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
کمک به بانو	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
مشورت با همسر	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰
محبت به همسر	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود:

- مردان بیش از زنان زندگی با خانواده همسر گرایش دارند.
- زنان بیش از مردان به زندگی مستقل گرایش دارند.
- زوجین هر دو رفت و آمد با دیگران را خوب می‌دانند.
- مردان بیش از زنان به ساده‌زیستی تمایل دارند.
- زنان بیش از مردان به همسر تحصیل کرده گرایش دارند.
- مردان بیش از زنان به همسر زیبا گرایش دارند.
- زنان بیش از مردان طرفدار اشتغال زنان هستند.
- زنان بیش از مردان کمک به بانو در منزل را خوب می‌دانند.
- زنان بیش از مردان به مشورت با همسر گرایش دارند.
- زنان بیش از مردان به محبت به همسر گرایش دارند.

تضاد ارزشی به معنای تفاوت نظر زوجین درباره یک ارزش است، بنابراین میزان تضاد ارزشی بین هر زوج، برابر با قدر مطلق تفریق نظر زوجین است. در جدول ۲ آماره‌های توصیفی مربوط به تضاد بر سر ارزش‌های ده‌گانه ارائه شده است.

گذاشته چند بار، هر کدام از این اصحاب را انجام داده‌اند. بر اساس بررسی‌های اکتشافی تجربه‌های ناسازگاریانه شوهران و بانوان تا حدی متفاوت در نظر گرفته شده است. در جدول ۴ فرواری‌های مربوط به تجربه‌های ناسازگاری شوهران ارائه شده است.

جدول ۴. فرواری انواع اصحاب ناسازگاریانه شوهر در خانواده

میان	مردگی	مجموع بار	چهار بار	سه بار	دو بار	یک بار	پیش‌بینی	درصد	توضیح
		پنج بار (۵)	۱۵	۳۱	۲۹	۲۱	۱۰۱		
۰	۹۴	۵۴۴	۱۹۷	۳۱۷	۷۰۶	۱۷۸	۶۵۶	درصد	آرام به کلیت غذا
۰	۸۹	۶۵۰	۳۴۰	۱۵۱	۱۰۷	۱۴۳	۶۵۶	درصد	توجهی به عدم شوی غذا
۰	۶۱	۳۷	۱۳۰	۵۴	۸۵	۱۰۹	۷۰۹	درصد	توجه به نظافت سر
۰	۵۶	۳۴	۱۳۰	۳۳	۳۹	۱۱۶	۱۳۷	درصد	غذا نخوردن
۰	۵۵	۴۷	۳۳	۴۳	۴۷	۱۳۰	۱۹۲	درصد	جداگانه غذا خوردن
۰	۸۱	۱۰۳	۸	۳۱	۶۳	۱۰۳	۶۵۶	درصد	جداگانه خوردن
۰	۸۳	۴۳	۱۳	۳۱	۸۷	۱۷۳	۳۳۰	درصد	رفتن به سران سنگی
۰	۸۷	۴۷	۱۵	۸۵	۵۵	۱۵۴	۲۱۵	درصد	رفتن به مهدی
۰	۷۷	۳۴	۲۳	۱۶	۱۰۹	۱۱۷	۱۹۵	درصد	بوت کردن دیگران
۰	۹۱	۴۴	۱۳	۳۸	۸۷	۷۸	۲۵۵	درصد	رفتن به سرای
۰	۱۳۸	۱۷۳	۴۷	۴۴	۱۰۳	۱۵۰	۴۳۳	درصد	اجامه رفتن
۰	۶۵	۵۵	۳۳	۳۳	۳۸	۱۳۳	۱۳۷	درصد	بهره از ملاقات
۰	۸۷	۷۸	۳۱	۳۸	۳۸	۱۵۶	۲۵۶	درصد	بهره از تفکر
۰	۶۷	۸۵	۸	۸	۳۳	۴۳	۷۸۳	درصد	سالم کردن
۰	۸۱	۱۱۱	۱۳	۱۳	۴۸	۵۸	۱۳۶	درصد	جداگانه کردن
۰	۱۳۸	۱۳۳	۳۱	۶۸	۱۰۸	۱۴۳	۵۴۶	درصد	گریه کردن
۰	۳۳	۴۳	۸	۱۵	۸	۲۳	۴۳	درصد	جواب و تبادل
۰	۳۳	۳۱	۰	۱۵	۱۵	۳۳	۴۳	درصد	نگفتن و تبادل

همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود:

- با توجه به میانگین‌ها بیشترین موارد ناسازگاری شوهران، انجام داشتن و یکدیگر بوده است.
- با توجه به میانگین‌ها، تنها عمل ناسازگاریانه انجام داشتن، دارای میانگین یک است، یعنی ۵۰ درصد پاسخ‌گویان در طول ماه گذشته بیش از یک بار انجام داشته‌اند. میانگین بقیه ناسازگاری‌ها برابر صفر است.

جدول ۳. دسته‌بندی تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش‌های زندگی مشترک

تضاد زن و شوهر بر سر ارزش	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳
زندگی با خانواده همسر	۴۸۸	۵۱۵	-۲۴۳
زندگی مستقل	۰۴۹	۳۳۴	-۰۰۶
رفت و آمد با دیگران	-۱۱۲	۵۸۶	۴۵۷
ساده زیستن	۶۴۹	۱۷۰	-۰۶۴
همسر تحصیل کرده	۵۲۳	۱۲۹	۲۷۳
همسر زیبا	۰۰۷	۴۷۳	۰۴۱
اشتهال زن	۱۳۳	-۰۸۳	۸۰۵
کنک به بانو	۲۳۳	۱۹۶	۴۷۰
مشورت با همسر	۷۲۵	-۲۸۴	۲۸۳
محبت به همسر	۷۵۶	-۰۸۲	۲۵۳

به این ترتیب می‌توانیم ده تضاد ارزشی را در سه عامل چین بیان کنیم:

عامل اول: شامل تضاد بر سر ارزش‌های ساده‌زیستی، همسر تحصیل کرده، مشورت با همسر و محبت به همسر. این عامل را می‌توان تضاد بر سر ارزش‌های مربوط به زوجین نامید.

عامل دوم: شامل تضاد بر سر ارزش‌های زندگی با خانواده همسر، زندگی مستقل، رفت و آمد با دیگران و همسر زیبا. این عامل را می‌توان تضاد بر سر ارزش‌های مربوط به رفت و آمد و آمد با دیگران نامید.

عامل سوم: شامل تضاد بر سر ارزش‌های اشتغال زن و کمک به بانو. این عامل را می‌توان تضاد بر سر ارزش‌های مربوط به نقش زن نامید.

ناسازگاری در خانواده

به منظور سنجش اصحاب ناسازگاریانه شوهر و بانو در منزل، برای شوهران ۱۸ گویه و برای بانوان ۱۷ گویه در نظر گرفته شده است. از زوجین پرسیده شده است که در طول یک ماه

۱) چقدر است که نام‌گذاری‌هایی با بر اساس وجه غالب تغییرهای موجود در آن گویه بوده است و بر تمام تغییرهای موجود در آن عمل به طور کامل متعلق نیست.

عامل دوم شامل ناسازگاری‌های خدخالفاظی نکردن، پرهیز از گفت‌وگو، سلام نکردن، پرهیز از ملاقات و جداگانه خوابیدن می‌شود. این عامل را می‌توان ترک تعامل یا باور نامید. عامل سوم شامل ناسازگاری‌های ایوادی به کیفیت غذا، پرتاب وسایل، اعتراض به عدم توزیع غذا و شکستن وسایل است. این عامل را می‌توان تعامل خیرستیار نامید. عامل چهارم شامل ناسازگاری‌های بگو مگو، ایوادی به نظافت منزل و اخم داشتن می‌شود. این عامل را می‌توان تعامل تضادآمیز نامید.

ناسازگاری بانوی

برای سنجش رفتارهای ناسازگارانه بانوان، فاصله رفتار در نظر گرفته شده و از آنان پرسیده شده که در طول یک ماه گذشته هر کدام از آن‌ها را چند بار انجام داده‌اند. در جدول ۶ فراوانی مربوط به اعمال ناسازگارانه بانوان مشاهده می‌شود.

جدول ۶. فراوانی انواع اعمال ناسازگارانه بانوی در خانواده

انواع ناسازگاری بانوی	درصد	پیش‌بینی	یک بار	سه بار	چهار بار	پنج بار و بیشتر	میانگین
غذا پختن	درصد	۸۸٪	۳۰٪	۷٪	۱۵٪	۲۲٪	۲۲
ظلم خوردن	درصد	۸۷٪	۵۹٪	۰٪	۲۹٪	۱۲٪	۴۲
جداگانه غذا خوردن	درصد	۸۸٪	۲۳٪	۳۰٪	۱۵٪	۳۲٪	۳۸
جداگانه خوابیدن	درصد	۸۰٪	۴۳٪	۱۵٪	۲۱٪	۲۱٪	۳۲
ترقی به منزل بستگی	درصد	۷۳٪	۱۳٪	۱۵٪	۱۵٪	۵۷٪	۲۹
دعوت نکردن دیگران	درصد	۷۳٪	۱۴٪	۳۷٪	۳۷٪	۱۲٪	۵۳
ترقی به مهمانی	درصد	۷۱٪	۱۱٪	۳۰٪	۲۳٪	۳۶٪	۲۸
ترقی به تفریح	درصد	۷۲٪	۱۲٪	۳۷٪	۳۷٪	۱۲٪	۳۳
کک زدن به هم	درصد	۷۲٪	۴۳٪	۳۰٪	۳۷٪	۱۲٪	۲۸
پرتاب از ملاقات	درصد	۸۴٪	۵۳٪	۰٪	۸٪	۳۸٪	۳۵
پرهیز از گفتگو	درصد	۷۰٪	۹۰٪	۵٪	۱۵٪	۲۰٪	۷۵
سلام نکردن	درصد	۸۳٪	۳۷٪	۲۳٪	۷٪	۲۶٪	۵۸
بگو مگو	درصد	۵۸٪	۱۴٪	۲۷٪	۱۲٪	۲۷٪	۱۳۱
پرتاب وسایل	درصد	۹۱٪	۲۳٪	۷٪	۲۳٪	۲۳٪	۳۳
شکستن وسایل	درصد	۹۷٪	۲۳٪	۰٪	۰٪	۰٪	۵۳
ظلم به خودکشی	درصد	۴۶٪	۲۳٪	۱۵٪	۰٪	۰٪	۸۳
ظلم به ترک منزل	درصد	۸۸٪	۵۹٪	۰٪	۲۳٪	۱۲٪	۲۹

دسته بندی انواع اعمال ناسازگارانه شوهر

به منظور دسته بندی اعمال ناسازگارانه مردان، تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد. تحلیل عاملی گویه‌های ناسازگاری، چهار عامل را از هم جدا می‌کند. این چهار عامل یا هم ۶۹/۲۲ درصد واریانس را تبیین می‌کنند.

جدول ۵. نتیجه تحلیل عاملی انواع اعمال ناسازگارانه شوهر در خانواده

اعمال ناسازگارانه شوهر	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
دعوت نکردن دیگران	۸۰۳	۲۳۳	۲۱۴	۲۵۵
ترقی به مهمانی	۷۶۸	۳۱۱	۰۹۸	۳۴۵
ترقی به منزل بستگی	۷۶۸	۳۳۰	۱۷۴	۲۳۳
ترقی به تفریح	۲۴۹	۳۴۷	-۰۰۳	۲۸۷
جداگانه غذا خوردن	۳۳۹	۱۷۶	۳۳۷	۱۱۲
ظلم خوردن	۵۸۹	۳۱۷	۳۱۱	۱۰۵
خدخالفاظی نکردن	۲۴۸	۷۹۸	۲۱۷	۱۷۳
پرتاب از گفتگو	۲۷۹	۲۷۹	۳۳۴	۱۲۱
سلام نکردن	۳۹۹	۷۴۸	۲۱۹	۱۰۷
پرتاب از ملاقات	۵۱۰	۲۱۸	۲۲۵	۰۲۵
جداگانه خوابیدن	۱۲۴	۱۰۳	۱۹۲	۲۴۳
ایوادی به نظافت منزل	۱۲۹	۲۷۴	۷۸۴	۲۵۲
پرتاب وسایل	۳۸۳	۲۰۳	۷۴۱	-۰۰۵
اعتراض به عدم توزیع غذا	-۱۵۲	۳۹۱	۲۵۱	۲۹۸
شکستن وسایل	۴۵۳	۰۰۶	۲۲۵	۱۲۹
بگو مگو	۳۱۳	-۰۰۱	۳۳۱	۷۴۱
ایوادی به نظافت منزل	۲۲۹	۱۸۴	۲۲۷	۳۲۸
اخم داشتن	۱۴۶	۳۸۶	۰۷۲	۷۰۸

همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود:

عامل اول شامل ناسازگاری‌های دعوت نکردن دیگران، ترقی به مهمانی، تفریح به منزل، بستگی، ترقی به تفریح، جداگانه غذا خوردن و غذا نخوردن می‌شود. این عامل را می‌توان ترکی تعامل با دیگران نامید.

همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود:

- عامل اول شامل رفتارهای ناسازگارانه پرهیز از ملاقات، غذا نپختن، نرفتن به مهمانی و نرفتن به منزل بستگان می‌شود. این عامل را می‌توان ترک تعامل با دیگران نامید.
- عامل دوم شامل تهدید به ترک منزل، نرفتن به تفریح، دعوت نکردن و دیگران و سلام نکردن می‌شود. این عامل را می‌توان ترک تعامل با شوهر نامید.
- عامل سوم شامل جداگانه غذا خوردن، غذا نخوردن و تهدید به خودکشی می‌شود. این عامل را می‌توان ترک شدید تعامل نامید.
- عامل چهارم شامل پر تآب و سایل، شکستن وسایل و کک‌زدن بچمه‌ها می‌شود. این عامل را می‌توان عمل خشونت‌بار نامید.
- عامل پنجم شامل بگو مگو، پرهیز از گفتگو و جداگانه خوابیدن می‌شود. این عامل را می‌توان عمل تضادآمیز نامید.

تحلیل ساختاری تأثیر تضاد ارزشی بر ناسازگاری

به منظور بررسی فرضیه اصلی پژوهش که تأثیر تضاد ارزشی زوجین بر رفتارهای ناسازگارانه آنان است، از مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده کرده‌ایم. این مدل تأثیر تضاد ارزشی میان شوهر و بانو بر ناسازگاری شوهر و تأثیر ناسازگاری شوهر و بانو بر ناسازگاری بانو را بررسی می‌کند.

برای تضاد ارزشی ده شاخص در دست داشتیم که از میان آن‌ها بهترین‌ها را انتخاب کردیم. به منظور انتخاب بهترین شاخص‌ها برای تضاد ارزشی، تحلیل عاملی تأییدی یک عاملی انجام دادیم. متغیرهایی که بیشترین بار عاملی را در این تحلیل داشتند، به عنوان شاخص‌های تضاد ارزشی انتخاب شدند. برای متغیر ناسازگاری شوهر ۱۸ گویه و برای ناسازگاری بانو ۱۷ گویه در اختیار داشتیم که از میان آن‌ها هم بهترین شاخص‌ها را با استفاده از تحلیل عاملی یک عاملی انتخاب کردیم. از آنجا که اگر تعداد عامل‌ها زیاد باشد، مدل‌های ساختاری به سختی برآزش می‌شوند، برای هر متغیر چهار شاخص در نظر گرفتیم.

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود:

- با توجه به میانگین، بیشترین فراوانی اعمال ناسازگارانه بانوان مربوط به بگو مگو است و پس از آن تهدید به خودکشی قرار دارد.
- میانگین فراوانی اعمال ناسازگارانه بانوان به طور کلی کمتر از مردان است.
- میان تمام اعمال ناسازگارانه در میان بانوان برابر است.

تحلیل عاملی اکتشافی رفتارهای ناسازگارانه بانوان به روش واریماس، ۵ عامل را از هم جدا کرد که در مجموع ۶۸٪ درصد از واریانس ناسازگاری زنان را تبیین می‌کنند. در جدول ۷ بارهای عاملی گویه‌ها در هر یک از عوامل ارائه شده است.

جدول ۷ نتیجه تحلیل عاملی انواع اعمال ناسازگارانه زنان

اعمال ناسازگارانه بانو	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم
رفتار از ملاقات	۰۷۵	۱۴۷	-۰۹۴	۰۷۴	۴۳۳
غذا نپختن	۰۱۸	۰۱۰	۴۳۶	-۰۷۱	-۰۰۵
نرفتن به مهمانی	۰۲۱	۰۳۷	۱۱۷	۰۵۷	۰۲۹
نرفتن به منزل بستگان	۰۵۰	۴۳۰	-۰۱۳	۰۲۴	۰۱۰
تهدید به ترک منزل	۰۰۵	۰۱۹	۰۹۲	۰۴۲	۰۰۰
نرفتن به تفریح	۰۰۷	۰۲۴	۰۸۵	۰۹۲	۰۱۷
دعوت نکردن دیگران	۰۱۱	۰۵۸	۰۲۷	۰۲۲	۰۴۴
سلام نکردن	۴۲۳	۰۲۱	-۰۴۹	۰۳۹	۰۳۰
جداگانه غذا خوردن	-۰۴۰	۰۳۱	۸۴۰	۰۳۷	۱۱۶
غذا نخوردن	۰۸۷	۱۴۷	۰۷۷	۰۳۳	-۰۰۳
تهدید به خودکشی	۰۳۹	۴۰۷	۰۳۳	-۰۱۴	۰۲۹
پر تآب و سایل	۰۱۵	۰۹۸	۰۳۱	۰۲۶	-۰۵۵
تکلیف وسایل	۰۱۶	-۰۰۹	۰۱۷	۰۵۷	۰۱۴
کک زدن بچمه	-۰۱۴	۰۱۸	-۰۹۴	۰۱۵	۰۲۴
بگو مگو	۰۳۸	۰۴۸	۰۸۳	۰۲۳	۰۱۲
پرهیز از گفتگو	۰۲۰	۰۰۹	۰۳۷	۰۲۲	۰۲۲
جداگانه خوابیدن	۰۳۰	۰۰۱	۴۰۱	-۰۹۴	۴۱۵

مشخصات مدل برازش شده در کادر ۱ ارائه شده است.

کادر ۱. مشخصات مدل برازش داده شده برای تأثیر تضاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری شوهر

درجه آزادی=۱۹

کی دو با روش درست‌سازی پیشینه اطلاعات کامل (EIML) $22.89 = (p < 0.001)$

چند پارامتری محدود خطای تخمین (RMSEA) $0.038 =$

فاصله اطلاعات ۹۰ درصد برای RMSEA $(0.082, 0.060) =$

مقدار معنی داری برای آزمون برازش (Close Fit) $RMSEA < 0.06 = 0.041$

همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، مقدار کی دو مدل 22.89 و درجه آزادی آن 19 بوده است. نسبت کی دو به درجه آزادی $1/2$ محاسبه می‌شود که فاصله زیادی از دامنه مطلوب برای این مقدار ندارد. از سوی دیگر مقدار آماره چکر میانگین مجذور خطای تخمین (آرام‌اس‌ای)، بسیار کمتر از 0.10 است، که نشان می‌دهد برازش مدل مناسب است. چرا که بر اساس پیشنهاد سروان و کوردی (۱۹۹۳) اگر آرام‌اس‌ای < 0.1 باشد، برازش ضعیف است. همچنین تمام مقادیر تی برای مسیرها بالاتر از 0.196 بوده‌اند که نشان می‌دهد وجود تمام مسیرها به احتمال 95 درصد معنی دار است. در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود:

- ضریب مسیر بین متغیر تضاد ارزشی میان شوهر و بانو و ارتکاب اعمال ناسازگارانه از سوی شوهر برابر 0.333 است. طبق معیار رایج میزان شدت این رابطه متوسط است.
- ملاحظه می‌شود که در این مدل ساختاری در میان متغیرهای معرفی تضاد ارزشی میان شوهر و بانو، کمترین خطا از آن تضاد ارزشی زوجین بر سر محبت به همسر است.
- هم‌چنین در این مدل، در میان متغیرهای معرفی اعمال ناسازگارانه شوهران، کمترین خطا از آن ترفتن به منزل بستگان است.

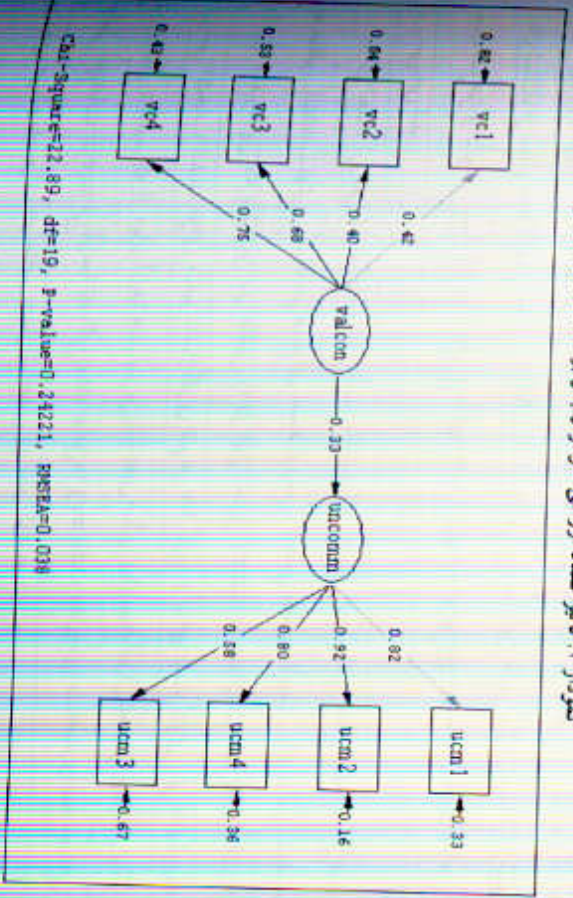
۱ نکته است، هنگامی که داده‌های مقایسه‌گرفته باشند، برهم‌افزای نوزاد به جای روش بیشترین درست‌سازی (ML) از روش پیشینه درست‌سازی اطلاعات کامل (FIML) استفاده می‌کند. به همین خاطر برخی نتیجه‌های ارزشی مانند NFI, NNFI, CFI, IFI, GFI و غیره قابل محاسبه نیستند (چارلس‌کای و سورنسن، ۲۰۰۶).

در نمودار ۱ رابطه میان تضاد ارزشی و ناسازگاری شوهر ملاحظه می‌شود. نام‌های

انحصاری به کار رفته در این مدل به شرح زیر هستند:

- Valcon = تضاد ارزشی بانو و شوهر درباره ارزش‌های مربوط به زندگی مشترک
- vc1 = تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش ساده‌زیستی
- vc2 = تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش همسر تحصیل‌کرده
- vc3 = تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش مشورت با همسر
- vc4 = تضاد شوهر و بانو بر سر ارزش محبت به همسر
- Uncomm = اعمال ناسازگارانه شوهر در خانواده
- ucm1 = ترفتن به منزل بستگان
- ucm2 = ترفتن به مهمانی
- ucm3 = دعوت نکردن دیگران
- ucm4 = سلام نکردن به بانو

نمودار ۱. تأثیر تضاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری شوهر



همان‌طور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، مقدار کمی در مدل ۲۳۲۰۶ و درجه آزادی آن ۱۹ بوده است. نسبت کمی در به درجه آزادی ۱/۲ محاسبه می‌شود که فاصله زیادی از دامنه مطلوب برای این مقدار ندارد. مقدار آماره آرام‌اس‌ای، آهم بسیار کمتر از ۰/۱۰ است، که نشان می‌دهد برآزش مناسب مدل است (اگر مقدار این آماره بیشتر از ۰/۱۰ باشد، برآزش ضعیف است). تمام مقادیر تی برای مسیرها بالاتر از ۱۹۶ بوده‌اند که نشان می‌دهد به احتمال ۹۵ درصد تمام مسیرها معنی دار است. همان‌طور که در نمودار ۲ ملاحظه می‌شود:

- ضریب مسیر بین متغیر نفعاد ارزشی میان شوهر و بانو و ارتکاب اعمال ناسازگارانه از سوی بانو برابر ۰/۳۶ است که از مقدار مربوط به مدل شوهران (نمودار ۱) کمتر است و شدت آن متوسط ارزیابی می‌شود.
 - در این مدل ساختاری در میان متغیرهای معرف نفعاد ارزشی میان شوهر و بانو، کمترین خطا از آن نفعاد ارزشی زوجین بر سر محبت به همسر است.
 - هم‌چنین در این مدل، در میان متغیرهای معرف اعمال ناسازگارانه شوهران، کمترین خطا از آن سلام نکردن است.
- با توجه به دو مدلی که در بالا ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت که رفتارهای ناسازگارانه مهم و رایج، آن دسته رفتارهایی هستند که فروانی بالا، اما خشونت فیزیکی اندکی دارند. این ناسازگاری‌ها تحت تاثیر عدم توافقی بر سر ارزش‌هایی ایجاد می‌شوند که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند مانند ارزش اصحبت به همسر.

بحث و نتیجه‌گیری

نظام خانواده پریشی از ساختار تام جامعه است. به همین دلیل آنچه در خانواده رخ می‌دهد متأثر از تغییرات و نابسامانی‌های اجتماعی است. وجود هنجارهای قوی علیه طلاق، مازا بر آن داشت که برای بررسی اختلال‌های موجود در نظام خانواده به بررسی اعمال ناسازگارانه زوجین در خانواده بپردازیم. تحلیل داده‌های تجربی نشان داد که ساختار کلی اعمال ناسازگارانه شوهران و بانوان چندان مغایرت نیست. اعمال همسران زاهی‌توان در دسته‌هایی بنا صواب: ترک تعامل با همسر، ترک تعامل با دیگران، ارتکاب اعمال خشن و ارتکاب اعمال نفعادآسیر قرار داد. نکته مهم آن است که شاخص‌های این عمل‌ها در میان شوهران و بانوان با

تاثیر نفعاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری بانو

در شکل زیر مدل ساختاری تاثیر نفعاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری بانو در خانواده ارائه شده است. نام‌های اختصاری به کار رفته در شکل ۲ به شرح زیر است:

Uncom = اعمال ناسازگارانه بانو در منزل

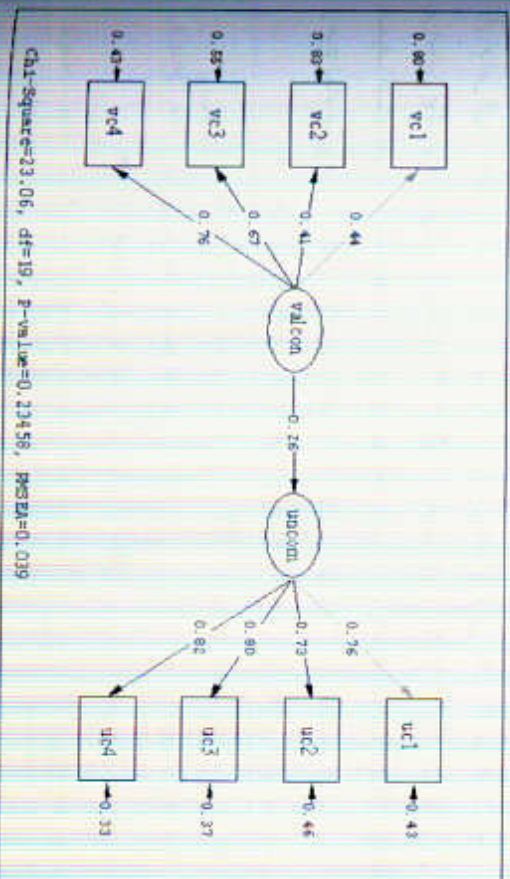
un1 = ترفتن به منزل بستگان

uc2 = دعوت نکردن دیگران

uc3 = ترفتن به مهمانی

uc4 = سلام نکردن

نمودار ۲: تاثیر نفعاد ارزشی زوجین بر اعمال ناسازگارانه بانو



کادر ۲: مشخصات مدل برآزش داده شده برای تاثیر نفعاد ارزشی شوهر و بانو بر ناسازگاری بانو

درجه آزادی = ۱۹
 کی دو با روش فرست نمایم نتیجه اطلاعات کامل (FITML) = ۳۳۰۶ = (P = ۰/۳۳)
 جابر میانیکی محدودر خطایی تخمین (RMSEA) = ۰/۰۳۹
 ناصحه انجمنیان ۹۰ درصد برای RMSEA = ۰/۰۸۶
 مقدار معنی داری برای آزمون برآزش (Close Fit) = ۰/۰۱۰ = (RMSEA < ۰/۰۱۰)

چلی، مسعود (۱۳۷۵) *نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.

مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۵) *میراث مؤثر بر رضایت زوجین*. تهران: نشر سخن.

Britannica (2007) "Role", in *Encyclopedia Britannica*. Retrieved March 4, 2007, from Britannica Concise Encyclopedia: <http://concise.britannica.com/ebc/article-9083780/role>

Browne, M. W. & R. Cudeck (1993). *Alternative Ways of Assessing Model Fit, In Testing Structural Model Equation*. London: Sage Publications.

Chibucos, Thomas R. & Randall W. Leite (2005) *Readings in Family Theory*. London: Sage Publications.

Joreskog, Karl & Dag Sorbom (2006) *Lisrel [computer software]*. Michigan: Scientific Software International, Inc.

Levi-Strauss, Claude (1996) *Introduction in A History of the Family*, Vol. I, English Translation. Bristol: Policy Press.

Marshall, Gordon (1998) *Oxford Dictionary of Sociology*. Oxford: Oxford University Press.

Pallant, Julie (2001) *SPSS Survival Manual*. Berkshire: Open University Press.

Parsons, T. (1978) *Social Systems and Evolution of Action Theory*, UK: The Free Press.

Trost, Jan (1988) "Conceptualizing the Family". *International Sociology*, 3 (3): 301-308.

Segalen, Martine & Zonabend, Francoise (1996) *A History of the Family*, Vol. II, English Translation. Bristol: Policy Press.

Sheaffer, Richard (2007) *Introduction to Sociology*. Berkshire: McGraw-Hill.

هم مغایرت است. به عنوان مثال عمل جداگانه خوابیدن در میان شوهران در دسته اعمالی که عنوان نونک تعامل با پاتو را دارند قرار می گیرد. اما در میان بانوان در دسته اعمالی که عنوان اعمال تضادآمیز دارند. معنی این امر آن است که عمل جداگانه خوابیدن هنگامی که از سوی شوهران بروز داده می شود، شدت کمتری از آن برداشت می شود. اما هنگامی که همین عمل از سوی بانوان انجام شود، خشونت بیشتری از آن برداشت می شود.

تضادهای ارزشی زوجین یکی از عوامل مهم مؤثر بر افزایش اعمال ناسازگاره زوجین در خانواده است. تضاد ارزشی موجب می شود تضاد زوجین درباره اعمال، ایده‌ها، باورها و نیازها متفاوت باشد که موجب می گردد تعامل متقابل به خوبی میان آن‌ها برقرار نشود. تحلیل بنیادها متفاوت باشد که موجب می گردد تعامل متقابل به خوبی میان آن‌ها برقرار نشود. تحلیل بنیادهای تجربی نشان داد که ضریب تحلیل مسیر تأثیرگذاری تضاد ارزشی بر اعمال ناسازگاره شوهران برابر ۰.۳۳، و برای بانوان برابر ۰.۲۶ است. این میزان نشان‌دهنده تأثیرگذاری نسبتاً قوی تضاد ارزشی بر رفتارهای ناسازگاره زوجین است. از سوی دیگر به‌لحاظ میزان ضریب تحلیل مسیر برای مردان نشان می دهد تضاد ارزشی میان زوجین بر رفتارهای ناسازگاره شوهران بیش از بانوان مؤثر است. به این ترتیب می توان نتیجه گرفت، برای کاهش رفتارهای ناسازگاره بین زوجین در خانواده، یکی از نکات مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، توافق ارزشی زوجین است. اما باید توجه کرد هنگامی که از توافق ارزشی صحبت می شود منظور ارزش‌های بسیار انتزاعی و عامی نیست، بلکه ارزش‌هایی که کمتر مورد توجه قرار می گیرند و چندان هم انتزاعی نیستند اهمیت قرائنی دارند؛ مانند ارزش محبت به همسر.

منابع

بودن، ریمون (۱۳۸۵) *نورمک جامعه‌شناسی اقتصادی*. ترجمه عبدالحمین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.

توزیع، جانانان (۱۳۷۸) *نگاشتم و کاربردهای جامعه‌شناسی*. ترجمه محمد شرازی و محمد عزیز

پنجتاری، قلم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

روشنه، گی (۱۳۳۶) *جامعه‌شناسی ناکوت پارسوز*. ترجمه عبدالحمین نیک‌گهر، تهران: انتشارات نیل

روشنه، گی (۱۳۷۵) *سازمان اجتماعی*. ترجمه هما ریخانی زاده، تهران: انتشارات سمت.

سپارو خانی، باقر (۱۳۷۲) *علاقه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.